

بہ نام خدا



سازمان بورس و اوراق بهادار
SECURITIES & EXCHANGE ORGANIZATION

مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی

مالیات بر سود تقسیمی سهام

تہیہ کنندگان: سید محمد جواد فرہانیان

مالیات بر سود تقسیمی سهام

سید محمد جواد فرغانیان

کارشناس مدیریت پژوهش توسعه و مطالعات اسلامی - تیرماه ۱۳۹۱

- چکیده

- دیباچه

0 تعریف

0 درآمد در نظر گرفتن سود سهام

0 اختلافات

- استدلال‌های مخالفان

- استدلال‌های موافقان

- سیاست مالیات بر سود در کشورها

0 ایالات متحده

0 کانادا

0 هند

0 سایر کشورها

- منابع

پیام گزارش:

این مالیات دارای ویژگی سهولت دریافت، سادگی و کارایی بوده و به عنوان سیاستی در جهت حفظ و انباشت سرمایه در بنگاه بواسطه اثر بازدارندگی تقسیم سود است. البته هنوز به شکل قطعی مشخص نشده است که در صورت اخذ مالیات بر سود سیاست‌های شرکت و رفتار سهامداران تغییری در جهت انباشت سود و سرمایه‌گذاری جدید در شرکت از این محل می‌شود یا خیر. به همین دلیل است که برخی شرکت‌های موسوم به رشدی در بورس-های بین‌المللی، تنها سهامدارانشان را به استفاده از عایدات سرمایه‌ای نوید می‌دهند و خبری از تقسیم سود در این شرکت‌ها نیست. جو بازار و اقتصاد همچنین آثار فرهنگی و اجتماعی تعیین‌کننده این موضوع خواهد بود که در صورت اخذ مالیات بر سود تقسیمی نگاه سهامداران و مدیران به سمت عدم تقسیم سود و استفاده از همین منابع برای سرمایه‌گذاری مجدد تغییر می‌یابد. نکته ظریفی که در بازارهای بین‌المللی سرمایه به چشم می‌خورد حضور شرکت‌ها با تنوع در سیاست تقسیم سود است. علیرغم وجود اجبار در پرداخت مالیات بر سود تقسیمی در بورس-های آمریکا، شرکت‌هایی وجود دارند که دارای سیاست تقسیم سود فعالی بوده و حتی هر سه ماه یکبار اقدام به تقسیم سود می‌کنند. در مقابل شرکت‌هایی نیز در بازار حاضر هستند که اصلاً سودی را تقسیم نمی‌کنند. به این ترتیب در بازار مجال برای انتخاب سرمایه‌گذار فراهم است. پس سیاست اخذ مالیات بر سود تقسیمی مانعی برای تقسیم سود و تغییر سیاست شرکت و سهامدارانش نبوده است. نکته بسیار مهمی که وجود دارد آن است که این مالیات تنها در نظام‌های مالیاتی کشورهای مالیات مضاعف شناخته می‌شود که در آن‌ها، دولت علاوه بر اخذ مالیات از سهامداران به عنوان مالکان شرکت از خود شرکت نیز مالیات اخذ می‌کند. در این گونه کشورها غالباً نرخ موثر مالیاتی از ۴۰ درصد فراتر می‌رود. این موضوعی است که هزینه‌های تمام شده سرمایه‌گذاری را افزایش خواهد داد اما دولت‌ها در این دسته از کشورها از ابزار حمایتی که به عنوان فراهم آورنده کالاهای عمومی کشور در اختیار دارند برای فعالیت شرکت‌ها استفاده می‌کنند. در واقع توجیه اخذ مالیات بر سود تقسیمی سهامداران نیز همین است. ضمن آن که بر اساس مقرراتی برای برخی از شرکت‌ها ضمانتی مانند ملی کردن شرکت در صورت سقوط آن در نظر گرفته شده تا حداقل سرمایه سهامداران تضمین گردد.

۱- دیباچه

۱-۱- تعریف:

در بسیاری از کشورها، مالیات بر سود نوعی مالیات بر درآمد به شمار می‌رود که بر دریافتی سهامداران از محل سود تقسیمی شرکت‌ها تعلق می‌گیرد.

مالیات بر سود از دید اقتصادی:

این نوع مالیات یعنی گرفتن درصدی از سود محض بنگاه توسط دولت

سود محض = $TR - TC$ = درآمد کل منهای هزینه کل

سود متغیر = $TR - TVC$ = درآمد کل منهای هزینه کل متغیر

یعنی تا زمانی که قیمت بزرگتر از هزینه متوسط کل یعنی $P > ATC$ باشد مالیات بر سود می‌تواند تعریف و گرفته شود و برای غیر از این سود محضی وجود ندارد پس مالیات بر سودی هم توسط دولت بر بنگاه بسته نمی‌شود. اما محدوده انتقال منحنی‌های هزینه هم از جایی است که قیمت بزرگتر از متوسط هزینه کل باشد: $P > ATC$ در غیر اینصورت منحنی‌های هزینه انتقال نمی‌یابند.

۱-۲- در نظر گرفتن ویژگی درآمدی برای سود سهام تقسیمی

در برخی از کشورها، دولت‌ها، شرکت‌ها را از پرداخت حداقل مالیات استاندارد معاف می‌کنند تا پرداخت متوازی بین درآمدی مالیاتی دریافتی خزانه دولتی و آنچه بین سهامداران توزیع می‌شود شکل گیرد. مثلاً دیگر از دریافت مالیات بر سود ۲۰ درصدی بر درآمد شرکت صرف نظر کرده اما در صورت تقسیم سود شرکت مالیات متوازی (مثلاً ۵۰-۵۰) بر سود توزیعی وضع می‌کنند. در برخی دیگر از کشورها هم حداقل مالیات استاندارد بر سود حاصله شرکت وضع می‌شود و هم بر سود تقسیمی شرکت به سهامداران به عنوان درآمد آنان نگریسته شده و مالیات بر درآمد از ایشان اخذ می‌گردد. به واقع مانند این است که مالیات مضاعف از سود اخذ شده باشد.

در بسیاری از کشورها و حوزه‌های قضایی تحت نظر آنان (jurisdictions)، پرداخت سود سهام به عنوان درآمد عادی (ordinary income) شناسایی می‌شود و به این ترتیب مشمول همان مالیاتی است که بر درآمد وضع می‌گردد. در سایر کشورها درآمد ناشی از تقسیم سود به عنوان چیزی سواى درآمد عادی در نظر گرفته شده و با نرخ متفاوت از نرخ مالیات بر درآمد معمولی نرخگذاری می‌شود. بحثی که در اینجا مطرح است این است که شاید در سالی شرکت سود نداشته باشد در این صورت آیا دولت اقدام به پرداخت مالیات منفی یعنی پرداخت یارانه می‌نماید؟ بسته به حوزه قضایی گاهی درآمد تقسیم سود همراه و همسو با درآمد بهره، اجاره یا دیگر درآمدهای بادآورده (unearned income) در نظر گرفته شده و از آن مالیات اخذ می‌شود. در این صورتی که پایه مالیاتی

بدین صورت در نظر گرفته شود شایسته حمایت در صورت بروز مشکلات و زیاندهی شرکت نخواهد بود. در هر صورت اینکه سود تقسیمی در رده کدام پایه مالیاتی قرار داشته باشد هنوز بحث وجود دارد.

پیشنهاد:

دولت می‌تواند به سهامداران شرکت‌ها پیشنهاد دهد که در صورت پذیرش پرداخت مالیات بر سود سهام از سوی ایشان، دولت در موقع ضرورت و نیاز شرکت نسبت به خرید و ملی کردن (جلوگیری از ورشکستگی) شرکت اقدام خواهد کرد در واقع پرداخت مالیات مانند حق بیمه‌ای در مقابل سقوط شرکت به ویژه شرکت‌های بزرگ بورسی می‌تواند تلقی شود. به دلیل وجود نهاد ناظر در بازار اوراق بهادار و اجرای قوانین راهبری شرکتی در بازار خیال دولت نیز بابت کمتر بودن ریسک و هزینه های این تصمیم آسوده خواهد بود.

۱-۳- دیدگاه‌های موافق و مخالف

استدلال مخالفان این شیوه مالیات ستانی

مخالفان مالیات بر سود تقسیمی نظیر موسسه کاتو (Cato Institute) بحث می‌کند که مالیات بر سود تقسیمی به شکلی ناعادلانه بوده و نوعی مالیات مضاعف است. از آنجا که شرکت‌ها در حال حاضر ملزم به پرداخت مالیات بر شرکت (Corporate Tax) به صورت مالیات بر سود هستند، در این صورت سهامداران شرکت به عنوان مالکان شرکت مشمول مالیات شده‌اند. لذا مالیات مجدد بر سود تقسیمی آنان از عدالت مالیاتی به دور است. واژه کلیدی مالیات مضاعف توسط مخالفان اخذ مالیات از سود تقسیمی مکرراً استفاده می‌شود.

استدلال موافقان این شیوه مالیات ستانی

شرکت یک نهاد حقوقی است که می‌تواند دارایی‌هایی را تصاحب یا تصرف کند، اقامه دعوی کند یا علیه آن شکایت و اقامه دعوی شود همچنین به ثبت و انعقاد قرارداد بپردازد. بنابراین ماهیت شرکت از سهامدارانش بواسطه طول دوره حیات مالکیتی بر دارایی‌ها و موضوعات حقوقی تبعه آن قابل تفکیک است. در واقع سرمایه‌گذاران در یک دوره خاص به صورت سهامدار و مالک شرکت ظاهر می‌شوند در همین دوره بنابر تصمیم مجمع فارق از مشکلات شرکت ممکن است تصمیم به پرداخت سود نقدی قابل توجهی گرفته شود پس از دریافت سود، سهامداران سهام خود را فروخته و دیگر با مشکلات آتی که ممکن است شرکت با آن دست و پنجه نرم کنند روبرو نیستند، شرکت خواهد ماند و معضلات پیش رویش!

از سوی دیگر به عنوان یک نهاد مجزا، شرکت حق دارد از کالاهای عمومی همچون هر فرد دیگر در جامعه استفاده نماید. در نتیجه ملزم است از طریق مالیات هزینه استفاده از کالاهای عمومی را بپردازد. علاوه بر این، استناد اعتماد (Confidence) در دانشگاه جورجیای غربی دکتر آمدی (W. Amadi) در این رابطه می‌گوید:

بزرگترین مزیت شرکت‌های سهامی عام تشکیل دادن سازمانی تجاری با ایجاد حمایت از مسئولیت محدود (limited liability) برای مالکانش (سهامدارانش) می‌باشد. (سهامداران عادی شرکت‌های سهامی عام نسبت به تعهدات بلندمدت و کوتاه‌مدت شرکت دارای مسئولیتی نیستند). از سوی دیگر مالیات بر درآمدهای شرکت، قیمت حمایت از شرکت است (در مهیا کردن استفاده از امکانات عمومی و سایر حمایت‌های قانونی برای گسترش کسب و کار شرکت). این قیمت باید برابر ارزش مزایای دریافتی شرکت باشد که مطابق گزارش اداره خدمات درآمد داخلی وزارت خزانه‌داری آمریکا در سال ۱۹۹۶، در حالیکه شرکت‌های سهامی عام (به لحاظ تعداد) کمتر از ۲۰ درصد همه بنگاه‌های انتفاعی آمریکا هستند اما بیش از ۹۰ درصد از درآمد بازرگانی و ۷۰ درصد سود بازرگانی آمریکا را به خود اختصاص داده‌اند. عدم پاسخگویی نسبت به تعهدات بلندمدت شرکت‌ها به صورت امتیازی برای سهامداران خودنمایی می‌کند. شرکت‌های سهامی عام در تغییر ترکیب و اعضای مالکان خود بسیار انعطاف پذیر بوده و قادر هستند تا به صورت نامحدود به افزایش سرمایه دست بزنند. این دو موضوع مشتق از شخصیت حقوقی آن‌ها است که به وسیله قانون مقرر شده. این وضعیت ایجاب می‌کند که شرکت‌ها مالیات بردارند.

در مبحث بالا در خصوص مالیات بستن بر شرکت‌ها در مقابل مالیات بر سود تقسیمی، نقدی وجود دارد. استدلال شده که در صورت اخذ مالیات از درآمد ناشی از سرمایه می‌توان آن را از هر دو شخصیت (یعنی شرکت و سهامداران) اخذ کرد. در این صورت می‌توان گفت که از نقطه نظر سیاست‌های اجتماعی، مالیات بر درآمد حاصل شده از محل فعالیت کاری بالاتر نسبت به درآمد حاصله از فعالیت کمتر ناعادلانه است. یعنی سهامداری که تنها با خرید سهام و عدم پاسخگویی نسبت به تعهدات شرکت، مالک بخشی از آن شده آیا باید با کسی که سرمایه خود را به خطر انداخته و در معرض ریسک هزینه‌هایی حتی بیش از سرمایه خود است یکسان مالیات پردازد؟ (در دفاع ممکن است گفته شود که جوهره توانمندی در ایجاد مبلغی به عنوان درآمد ناشی از تقسیم سود وابسته به فعالیتی پیگیرانه و مداوم در طی سال‌ها است). طرفداران نکته‌ای را در خصوص کاهش یا حذف مالیات بر سود مطرح می‌کنند که در صورت وقوع کاهش مالیات بر سود تقسیمی کمک خواهد شد تا افراد ثروتمند بتوانند از عهده خرید بخش عمده‌ای از سهام شرکت برآیند بطوریکه در عمل پرداختهای سود تقسیمی بدون هرگونه مالیات بر درآمدی بر عایدات آنان صورت گیرد. همچنین این نگرانی وجود دارد که شرکت‌ها تمام سهم خود از بدهی مالیات بر درآمد مصرح در قانون مالیاتی را نتوانند پردازند (با توجه به موضوعات حقوقی قانون مالیاتهای آمریکا).

۲- سیاست‌های مالیات بر سود تقسیمی سهام در کشورها

۲-۱- ایالات متحده

به طور کلی چهار نوع مالیات در آمریکا وجود دارد که به ترتیب عبارتند از: مالیات بر درآمد، مالیات بر مصرف، مالیات بر کالاهای لوکس، مالیات بر املاک. در این مجال به توضیح مالیات بر درآمد در سیستم مالیاتی آمریکا پرداخته می‌شود:

مالیات بر درآمد در سیستم مالیاتی امریکا

مهمترین بخش درآمد دولت مرکزی و بخش عمده‌ای از درآمد مالیاتی دولت‌های ایالتی از این منبع تامین می‌شود. هر فرد حقیقی که حداقل ۲۴۰۰ دلار در سال درآمد داشته باشد باید اظهارنامه مالیاتی تکمیل و در مهلت قانونی که حداکثر پانزدهم آوریل سال بعد است ارائه کند. نحوه ارائه اظهارنامه بطور عمده از طریق پست و اخیراً از طریق اینترنت است. این مهلت برای افرادی است که در داخل خاک آمریکا ساکن‌اند و قانون برای کسانی که در بیرون از آمریکا به سر می‌برند امهال بیشتری قائل شده است. برخی از این مهلت‌ها تمدید پذیراند اما به این شرط که تا قبل از پایان مهلت نسبت به امهال تقاضا صورت گرفته باشد. البته اشخاص حقوقی به طور کلی باید اظهارنامه را تکمیل و در موعد مقرر ارائه کنند. در صورت وجود سود، مالیات متعلقه کسر و پرداخت و در صورتی که زیان هم داشته باشند برای مستهلک کردن زیان در سال‌های آینده نیاز به تسلیم اظهارنامه و اعلام آن و گرفتن اعتبار مالیاتی (credit tax) دارند. عدم تسلیم اظهارنامه و پرداخت مالیات بر درآمد توسط اشخاص حقیقی و حقوقی مشمول مالیات، منجر به جریمه‌های سنگین نقدی و حتی مجازات زندان می‌شود. افراد و موسسات دارای دو نوع درآمد تلقی می‌شوند، ۱- درآمد عادی (ordinary income) و ۲- درآمد سرمایه‌ای (capital gain).

۱- درآمد عادی: درآمدی است که یک فرد یا موسسه در طی یک سال از طریق انجام فعالیتهای جاری خود تحصیل می‌کند. درآمد افراد حقیقی تا سقف ۲۴۰۰ دلار در سال از مالیات معاف و سپس ضرایب مالیاتی از ۱۵٪ شروع و تا سقف حدود ۴۰٪ می‌رسند. در نظام مالیاتی آمریکا با توجه به معافیهایی که برای هر فرد قائل شده‌اند بیشتر افرادی که دارای درآمد هستند در پایان سال از دولت طلبکارند و الزاماً برای گرفتن طلب خود باید اظهارنامه مالیاتی را کامل و در زمان تعیین شده ارائه کنند. اضافه بر سقف ۲۴۰۰ دلار معافیت مالیاتی، شخص مؤدی و هریک از افراد تحت تکفل وی دارای یک معافیت ۱۰۰۰ دلاری هستند و اگر فردی از افراد تحت تکفل نابینا باشد یک معافیت ۱۰۰۰ دلاری هم برای وی داده می‌شود. نقطه اثر معافیت‌ها در زمان پرداخت درآمد از جانب منبع پرداخت‌کننده. طلب مالیاتی ایجاد شده برای مؤدی ظرف مدت شش هفته پس از پایان مهلت قانونی تسلیم اظهارنامه باید به مؤدی برگشت داده شود. در صورت عدم ارسال چک مالیات مازاد کسر شده، از مؤدی ظرف مهلت تعیین شده، اداره مالیات بر درآمد موظف است نسبت به مدت تاخیر بهره‌ای در حدود ۶٪ در سال اضافه بر طلب مؤدی محاسبه کند و جهت وی چک ارسال دارد. (در اینجا تفاوت عمده‌ای که بین دو نظام مالیاتی ایران آمریکا دیده می‌شود این است که نخست نقطه تاثیر معافیت‌های مالیاتی در ایران در زمان پرداخت درآمد مؤدی در نقطه پرداخت است. بدین معنی که اگر معافیتی وجود داشته باشد پرداخت‌کننده درآمد باید آنرا اعمال نماید، در حالی که در نظام مالیاتی آمریکا پرداخت‌کننده درآمد بدون توجه به هرگونه معافیتی (به استثنای تا سقف ۲۴۰۰ دلار حقوق) با توجه به ضریب موجود، مالیات مؤدی را کسر و پرداخت می‌نماید. دوم آنکه در نظام مالیاتی ایران معافیت مالیاتی اضافه‌ای برای شخص مؤدی و افراد تحت تکفل وجود ندارد و به همین دلیل ارتباط بیشتری بین اداره مالیات و افراد منهای آنچه با واسطه پرداخت‌کننده درآمد اعمال می‌شود، به وجود

نمی‌آید. به عبارت دیگر مردم سیستم مالیاتی را چیزی دور از خود می‌شمردند). در نظام مالیاتی آمریکا با توجه به معافیت‌هایی که برای هر فرد قائل شده‌اند بیشتر افرادی که دارای درآمد هستند در پایان سال از دولت طلبکار هستند. پس لازم است برای گرفتن طلب خود اظهارنامه مالیاتی را کامل و در زمان تعیین شده ارائه نمایند. اعمال چنین روشی باعث شده تا تکمیل اظهار نامه به صورت فرهنگی فراگیر درآید و همه مردم به صورت وظیفه و باور به انجام آن بپردازند. هر گونه پرداختی به عنوان حقوق و دستمزد باید بر اساس کد مالیاتی فرد حقوق بگیر صورت گیرد و پس از پایان هر سال پرداخت کننده این گونه درآمدها باید جمع مبلغ حقوق و دستمزد به اضافه جمع مبلغ مالیات کسر شده را به همراه کد مالیاتی دریافت کننده حقوق در فرمی که به وسیله اداره مالیات (اداره خدمات درآمد داخلی IRS) طراحی شده منعکس کرده و یک نسخه کپی را به عنوان مدرک مالیاتی برای دریافت کننده درآمد ارسال نماید. در مورد شرکت‌ها ضریب مالیاتی بر اساس سود مشمول مالیات از ۱۵ درصد شروع و تا سقف ۳۵ درصد (۳۹ درصد) می‌رسد. سودی را که شرکت‌ها به سهامداران پرداخت می‌کنند با کد مالیاتی آن‌ها به اداره مالیات بر درآمد گزارش می‌دهند و هیچ‌گونه وجهی در این نقطه به عنوان مالیات، از سوی پرداخت کننده کسر نمی‌شود مگر اینکه سهامدار دریافت کننده سود سهم، فرمی که باید تنظیم و در آن کد مالیاتی و وضعیت خود را مشخص نموده باشد را کامل نکرده باشد که در این صورت ۳۰ درصد سود پرداختی تحت عنوان علی الحساب مالیات نگهداشته می‌شود. ذینفع باید مدارک لازم را در اداره مالیات پر کرده و پس از تسلیم اظهار نامه و ارائه اطلاعات، وجه نگهداشته شده قابل پرداخت به سهامدار است.

۲- درآمد سرمایه‌ای: این نوع درآمد مربوط به سود ناشی از سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت افراد و بنگاه‌ها است. برای مثال سود حاصل از سرمایه‌گذاری در سهام شرکت‌ها اگر برای حداقل زمانی که قانون تعیین کرده است ادامه یابد (یکسال) و یا سود ناشی از خرید و فروش املاک، سود سرمایه‌ای یا عایدات سرمایه‌ای نامیده می‌شود. ضریب مالیاتی این نوع درآمد نسبت به درآمد عادی تفاوت دارد این نوع سود تا سقف ۲۵۰۰۰ دلار در سال معاف بوده و نسبت به مازاد آن با نرخ ۱۵ درصد و حداکثر تا نرخ ۲۸ درصد مالیات اعمال می‌شود. در تمامی موارد ذکر شده دو ضریب متفاوت مالیاتی بر درآمد افراد یا موسسات اعمال می‌شود که یکی از جانب دولت مرکزی و دیگری از جانب دولت ایالتی است. مالیات دولت مرکزی غالباً تا ۶ یا ۷ برابر مالیات مورد مطالبه ایالت‌ها است.

مالیات متعلقه به افراد به وسیله شرکت محاسبه و پرداخت می‌گردد. سود پس از کسر مالیات به حساب سود انباشته یا سود نگهداشته شده منظور می‌شود. سیاست‌های تقسیم سود در اختیار هیات مدیره است و ارتباطی با مجامع سالانه ندارد. هیات مدیره با توجه به برنامه‌ریزی‌های انجام شده برای توسعه شرکت و برنامه‌های سرمایه‌گذاری آتی آن تصمیم می‌گیرد که چه میزان سود تقسیم شود. شرکتهای سهامی عامی که سهام آن‌ها در بورس قابل معامله است، تقسیم سود هر سه ماه یکبار اعلام می‌گردد و تلاش مدیران بر این است که سود مشخصی برای سهامداران وجود داشته باشد. برای شرکت‌هایی که از روند سودآوری مناسبی برخوردار باشند معمولاً یکبار در سال مبلغ سود بازنگری و اضافه می‌شود و این پرداخت سود سه ماهه برای یکسال بعد ادامه می‌یابد. اما شرکت‌هایی که به لحاظ

چرخه‌های اقتصادی سود آنها کم و زیاد می‌شود نسبت به افزایش میزان سود تقسیمی با احتیاط عمل می‌شود و بعضاً چند سالی می‌گذرد تا در تقسیم سود هر سهم شرکت تغییری ایجاد می‌شود. اگر وضعیت مالی شرکت فوق العاده خوب شود و بر اساس تجربه‌های گذشته و با توجه به نیاز به نقدینگی در شرایط رکود وجه چشمگیری به صورت آزاد وجود داشته باشد و تداوم در پرداخت در شرایط موجود دیده شود، شرکتها به افزایش تقسیم سود می‌پردازند. بر عکس اگر دوره رکود طولانی و منجر به زیان‌های سنگین و تضعیف ترازنامه شرکت شود تقسیم سود را کاهش می‌دهند. گاهی دیده می‌شود که شرکتی برای ۱۰ یا ۱۲ دوره سه ماهه به صورت ممتد زیان نشان می‌دهد ولی در تقسیم سودهای سه ماهه هر سهم تغییری ایجاد نمی‌شود. برای شرکت‌هایی که سهام آن‌ها در بورس معامله می‌شوند به طور میانگین بین ۳۰ تا ۴۰ درصد سود سالانه تقسیم می‌شود. از سود پرداختی به سهامدار توسط شرکت در مرحله پرداخت، مالیاتی کسر نمی‌شود و پرداخت‌کننده یا موسسه‌ای که واسطه پرداخت است در پایان سال فرمی را تکمیل می‌کند که در آن کد مالیاتی دریافت‌کننده به اضافه مبلغ سود پرداختی به وی مشخص شده است. اصل فرم برای اداره مالیات و کپی آن از نظر مدارک و سوابق برای تکمیل اظهارنامه مالیاتی برای دریافت‌کننده ارسال می‌شود.

در سال ۲۰۰۳، جورج دبلیو بوش، رئیس جمهور آمریکا، پیشنهاد کرد تا مالیات بر سود تقسیمی سهام در آمریکا حذف شود. وی گفته بود که مالیات بر سود تقسیمی نوعی مالیات مضاعف بوده و این مالیات برای اقتصاد مضر بوده و به ویژه برای افراد بازنشسته گران تمام می‌شود. وی همچنین استدلال کرد که در حالیکه از سود شرکت پیشتر مالیات اخذ می‌شود این عادلانه نیست که دوباره از سهامداران بابت همان سود مالیات اخذ شود. بلافاصله پس از آن، کنگره قانون مشاغل و اصلاح رشد بخشودگی مالیاتی ۲۰۰۳ (JGTRRA)^۱، که شامل کاستن از نرخ مالیاتی مورد نظر جرج بوش بود را به تصویب رساند. بر اساس این قانون جدید، سود سهام تقسیمی واجد شرایط (با کیفیت) با همان نرخ مالیات بر عایدات سرمایه‌ای بلندمدت مالیات بسته می‌شود که برای بیشتر مالیات‌دهندگان معادل ۱۵ درصد است. سود سهام واجد شرایط (با کیفیت) دریافت‌شده توسط افراد در نرخ‌های ۱۰ تا ۱۵ درصد برکت مالیات بر درآمد (income tax brackets)، مشمول مالیاتی تا ۵ درصد در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ گردید. (جدول زیر) این بازه درآمدی از ۳۱ دسامبر ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ با توجه به، قانون اصلاح و منع افزایش مالیات سال ۲۰۰۵ (TIPRA)^۲ از مالیات معاف شد و نرخ مالیاتی آن صفر در نظر گرفته شد. تا اینکه در ۱۷ دسامبر سال ۲۰۱۰ رئیس جمهور اوباما به امضای قانون بخشودگی (معافیت)، تجدید امضای قانون بیمه بیکاری و قانون کارآفرینی اقدام کرد. بر این اساس قوانین تریپا TIPRA و جی گترا JGTRRA برای دو سال دیگر به صورت قانونی باقی ماندند.

در جدول زیر نرخ این مالیات آورده شده است. همانگونه که ملاحظه می‌شود در سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۱۲ همزمان با بحران اقتصادی نرخ مالیات بر سود سهام تقسیمی واجد شرایط (سود باکیفیت) (Qualified

¹ Jobs and Growth Tax Relief Reconciliation Act of 2003

² Tax Increase Prevention and Reconciliation Act of 2005

Dividend Tax Rate) به صفر رسیده است. سود با کیفیت بر اساس تعریف اداره خدمات درآمد داخلی، سود سهام تقسیمی عادی است که بر آن بر اساس ضوابط خاصی، کمتر از نرخ مالیات بر عایدات سرمایه‌ای (مالیات بر عایدات بلند مدت) و بیشتر از نرخ مالیات بر درآمد عادی مالیات بسته می‌شود.

مالیات سود سهام در ایالات متحده از سال ۲۰۰۳								
۲۰۰۷-۲۰۰۳			۲۰۱۲-۲۰۰۸			۲۰۱۳ -		
نرخ مالیات بر درآمد عادی	نرخ مالیات بر سود تقسیمی سهام عادی	نرخ مالیات بر سود سهام تقسیمی واجد شرایط	نرخ مالیات بر درآمد عادی	نرخ مالیات بر سود تقسیمی سهام عادی	نرخ مالیات بر سود سهام تقسیمی واجد شرایط	نرخ مالیات بر درآمد عادی	نرخ مالیات بر سود تقسیمی سهام عادی	نرخ مالیات بر سود سهام تقسیمی واجد شرایط
۱۰٪	۱۰٪	۱۵٪	۰٪	۱۰٪	۱۰٪	۱۵٪	۱۵٪	۱۵٪
۱۵٪	۱۵٪	۲۸٪	۰٪	۱۵٪	۱۵٪	۲۸٪	۲۸٪	۲۸٪
۲۵٪	۲۵٪	۳۱٪	۱۵٪	۲۵٪	۲۵٪	۳۱٪	۳۱٪	۳۱٪
۲۸٪	۲۸٪	۳۶٪	۱۵٪	۲۸٪	۲۸٪	۳۶٪	۳۶٪	۳۶٪
۳۳٪	۳۳٪	۳۹.۶٪	۱۵٪	۳۳٪	۳۳٪	۳۹.۶٪	۳۹.۶٪	۳۹.۶٪
۳۵٪	۳۵٪		۱۵٪	۳۵٪	۳۵٪			

۲-۲ - کانادا

در کانادا مالیات مالیات بر سود سهام تقسیمی وجود دارد، اما هدف سیاست‌های مالیاتی در این خصوص، این است که این مالیات را از طریق اعتبار مالیاتی سود سهام تقسیمی یا اصطلاحاً DTC (Dividend Tax Credit) به درآمد اشخاص از محل سود تقسیمی شرکت‌ها جبران کنند. یکسال قبل از سقوط دولت لیبرال کانادا، وزیر دارایی لیبرال رالف گوودال در پاییز سال ۲۰۰۵ افزایش DTC را اعلام نمود در حالی که با این اعلان، تراست‌های درآمدی کانادایی (Canadian income trusts) (یا همان صندوق‌های سرمایه‌گذاری بر سهام، اوراق قرضه، و املاک و مستغلات) دیگر نگرانی از مالیات بر سود تقسیمی نداشتند. نرخ موثر مالیات بر سود تقسیمی در حال حاضر از منفی تا مثبت ۳۰ درصد بسته به سطح درآمد و اختلاف نرخ‌های مالیاتی در ایالت‌های این کشور متغیر است.

۲-۳ - هند

در هند، بیشتر سود تقسیمی با عنوان سایر اقلام درآمدی مشمول مالیات می‌گردید. اما در ۱ ژوئن ۱۹۹۷ همه شرکت‌های داخلی مشمول مالیات بر سود تقسیمی توزیعی (dividend distribution tax) شدند. در نتیجه سود تقسیمی دریافت کنندگان کمتر گردید. نرخ مالیات جایگزین شده بین ۱۰ تا ۲۰ درصد بود. تا اینکه این مالیات در

۳۱ مارس ۲۰۰۲ منسوخ شد. هر چند مالیات بر سود تقسیمی توزیعی از ۱ ژوئن ۱۹۹۹ بر صندوق‌های سرمایه‌گذاری با نرخ بین ۱۰ تا ۲۰ درصد تمدید شده بود در مارس ۲۰۰۲ این نرخ تا ۳۱ درصد افزایش داده شد، اگر چه شرکت‌های دارای سرمایه متغیر یا اوپن اند فعال در بازار سهام نظیر صندوق‌های سرمایه‌گذاری در سهام در فاصله ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۲ از پرداخت مالیات بر سود سهام معاف بودند. (به علت احتراز از مالیات مضاعف بر سود این معافیت برای دریافت کنندگان سود شرکت‌های داخلی در سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۲ برقرار بوده است).

در بودجه سال مالی ۲۰۰۲-۲۰۰۳ پیشنهاد بازگشت به رژیم مالیاتی قبل از ۱۹۹۹ و حذف رژیم مالیات بر سود سهام تقسیمی توزیعی و عمل به رژیم مالیاتی مصرح در قانون تامین مالی سال ۲۰۰۲ هند (Finance Act 2002) مطرح گردید. که این موضوع با واکنش منفی شدید بازار اوراق بهادار هند روبرو شد و این بازار با ریزش شدیدی مواجه گردید. با این حال سال بعد در بودجه‌ریزی به انتظارات بازار توجه گردید و نظام مالیات بر سود تقسیمی توزیعی جدیدی معرفی گردید. از این رو مالیات بر سود سهام تقسیمی شرکت‌های داخلی و صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک از ۱ آوریل ۲۰۰۳ دوباره از شمول مالیات مضاعف خارج گردید با این حال نرخ مالیات بر سود تقسیمی توزیعی برای سایر شرکت‌های غیر بورسی ۱۲.۵ درصد تعیین شده بود. که از ۱ آوریل ۲۰۰۷ به ۱۵ درصد افزایش یافته است. از سال ۲۰۰۴ نرخ مالیات برای صندوق‌های سرمایه‌گذاری ۱۲.۵ درصد بود اما در صورت تقسیم سود توزیعی نسبت به سایر بنگاه‌ها تا ۲۰ درصد نرخ مالیاتی آن افزایش می‌یافت. از سال ۲۰۰۶ تمامی صندوق‌های سرمایه‌گذاری در سهام (صرفاً سهام) از پرداخت این نوع مالیات معاف شدند اما از سال ۲۰۰۷ نرخ مالیات برای سایر شرکت‌های فعال در بازار پول تا ۲۵ درصد افزایش یافت. درآمد سود تقسیمی سهام دریافت شده توسط شرکت‌های داخلی تا ۳۱ مارس ۱۹۹۷ در زمان محاسبه درآمد مشمول مالیات از آن کسر می‌گردید، اما با مقررات جدید این موضوع حذف و سیستم مالیات بر سود تقسیمی توزیعی با آن جایگزین شد.

۲-۴- سایر کشورها

در استرالیا نرخ مالیات بر سود تقسیمی از جولای ۲۰۰۶ تا ۴۵ درصد تعیین شده است. استرالیا شبیه نیوزلند دارای سیستم سود تقسیمی نسبی (dividend imputation system) در نظام مالیات بر شرکت‌های خود می‌باشد که اجازه می‌دهد اعتبارات صریحی (franking credits) به سود تقسیمی تعلق گیرد. این امر اجازه خواهد داد تا دریافت کنندگان سود تقسیمی صریح مالیات پرداخت شده توسط شرکت را به خود نسبت دهند (به عنوان اعتبار برای خود در نظر بگیرند) دریافت کنندگان کامل این اعتبار نهایتاً تا نرخ ۱۵ درصد مالیات بر سود خواهند پرداخت. در اتریش مالیاتی با عنوان KeSt (Kapitalertragssteuer) به عنوان مالیات بر سود تقسیمی تلقی می‌شود که نرخ آن تا ۲۵ درصد است. در بلژیک این نرخ تا ۲۵ درصد و تحت شرایطی تا ۲۱ درصد و در بلغارستان تا ۵ درصد است. در چین نرخ مالیات بر سود تقسیمی تا سال ۲۰۰۵ حدود ۲۰ درصد و از آن به بعد تا ۵۰ درصد مقرر شده است. جالب اینکه هنگ کنگ مالیات بر سود تقسیمی سهام ندارد. در جمهوری چک این نرخ ۱۵ درصد بود که در سال ۲۰۰۹ به ۱۲.۵ درصد کاهش یافت. در فنلاند، ۷۰٪ از سود تقسیمی سهام، مشمول مالیات درآمد عادی

و ۳۰ درصد مشمول مالیات عایدی سرمایه‌ای در نظر گرفته می‌شود که با نرخ‌های ۲۱٪، ۲۲،۴٪ بر آن‌ها مالیات بسته می‌شود. البته شرط این تقسیم بندی آن است که سود کمتر از ۵۰ هزار دلار باشد در غیر این صورت سهمی که بر آن مالیات بر عایدی سرمایه‌ای بسته می‌شود به ۳۲ درصد خواهد رسید. در هر صورت نرخ موثر این مالیات در فنلاند برای افراد تا ۴۰،۵ درصد خواهد بود. چراکه درآمد شرکتها مشمول مالیات است و با اخذ مالیات بر سود در واقع مالیات مضاعف از افراد اخذ می‌شود. ضمناً مالیات بر درآمد شرکتها در فنلاند با نرخ ۲۴،۵ درصد محاسبه می‌گردد. در ژاپن نرخ مالیات بر سود تقسیمی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس ۱۰ درصد برنامه دولت ژاپن آن است که در آغاز سال ۲۰۱۳ میلادی این نرخ را به ۲۰ درصد افزایش دهد. هم اکنون نرخ مالیات بر سود تقسیمی سهام برای شرکت‌های غیر بورسی در ژاپن ۲۰ درصد است. این نرخ در ایتالیا، ایرلند و اسرائیل ۲۰ درصد است با این تفاوت که در اسرائیل برای سهامداران عمده (بالای ۱۰ درصد) نرخ مالیات ۲۵ درصد و نرخ تعیین شده است. ضمن آنکه در اسرائیل اگر شخصیت حقوقی دریافت کننده سود سهام باشد از مالیات معاف است (به منظور احتراز از مالیات بر درآمد مضاعف شرکت). در هلند مالیات ۱۵ درصدی بر سود تقسیمی سهام وجود دارد. ضمن آنکه مالیات از ۱،۲ درصدی هر سال بر ارزش سهام بسته می‌شود. (به عنوان مالیات بر سرمایه‌گذاری و پس انداز!) در پاکستان نرخ این مالیات ۱۰ درصد، در لهستان و اسلواکی ۱۹ درصد، در آفریقای جنوبی و ترکیه ۱۵ درصد و در رومانی ۱۶ درصد است. در تایوان سود سهام تقسیمی را به عنوان درآمد ناخالص افراد در نظر می‌گیرند. در نتیجه از سهمی به سهم دیگر نرخ مالیات متفاوت خواهد بود این مالیات یکبار در سال و بر مطابق با سهم خاصی که فرد در اختیار دارد اخذ می‌گردد. از ژانویه سال ۲۰۱۳، ۲٪ مالیات اضافی بر همه سودهای تقسیمی سهام اعمال خواهد شد. این مالیات اضافی صرف مخارج نسل دوم بیمه سلامت ملی تایوان خواهد شد.

در ایران، بر اساس ماده ۱۰۵ قانون مالیات‌های مستقیم: جمع درآمد شرکتها و درآمد ناشی از فعالیت‌های انتفاعی سایر اشخاص حقوقی که از منابع مختلف در ایران یا خارج از ایران تحصیل می‌شود، پس از وضع زیان‌های حاصل از منابع غیرمعاف و کسر معافیت‌های مقرر به استثنای مواردی که طبق مقررات این قانون دارای نرخ جداگانه می‌باشد، مشمول مالیات به نرخ بیست و پنج درصد (۲۵٪) خواهند بود. در قانون مالیاتی ایران مالیات سود شرکت ۱۰ درصد است و شرکت‌هایی که سهام آن‌ها در بورس معامله می‌شوند از این مالیات معافند. پس از کسر ۱۰ درصد مالیات توسط شرکت نسبت سهم هر سهامدار تقسیم و بر اساس نوع سهامدار و ضرایب مالیاتی مشمول هر گروه مالیات محاسبه و از جانب شرکت پرداخت می‌شود. این شیوه عمل، جدا از اینکه اصل حسابداری تفکیک شخصیت حقوقی شرکت از سهامداران آن را سؤال برانگیز می‌کند، باعث بروز پیامدهای گوناگون با توجه به نحوه تصمیمات تقسیم سود مجامع و نوع تشخیص ممیز برای سود مشمول مالیات می‌شود و جدا از تضادهایی که در عمل با قانون تجارت در رابطه با رعایت حقوق یکسان سهامداران به وجود می‌آورد، بحث‌های زیادی را نیز در پی دارد. هنوز هم برخی این شیوه محاسبه و وصول مالیات را مالیات شرکت می‌دانند و گروهی وفق قانون مالیاتی آن را متعلق به سهامدار می‌دانند ولی با توجه به اینکه گاهی مالیات مورد مطالبه در رابطه با یک سهامدار بیشتر از سهم سود تصویری مجمع و یا حتی بیشتر از کل سهم سود یک سهامدار قبل از تقسیم سود می‌باشد، معضلات پیچیده‌ای را بوجود آورده است.

References

1. <http://www.cato.org/research/articles/edwards-030108.html> The Cato Institute
2. Taxation authorities world-wide use the term double taxation to mean that taxation is levied by two or more different jurisdictions on the same gain. This is often mitigated by tax treaty
3. Double Taxation of Dividends: Is the Question Resolved? By Novella Clevenger and Ken Pfannenstiel published in New Accountant magazine.
4. <http://www.westga.edu/~bquest/2002/double.htm> Double Taxation of Dividends: A Clarification by Confidence W. Amadi
5. "Tax Law Changes for 2008 - 2017." *Kiplinger's*. <www.kiplinger.com> Published March 2009. Accessed 28 August 2009.
6. "Two Year Extension of Bush-era Tax Cut Becomes Law Published December 21, 2010. Accessed December 31, 2010.
7. Indian dividend distribution taxes are subject to a surcharge since 2000 and an education cess since 2004 — as of 2007 the effect is to increase the tax to 1.133 times the rate, as per the sub-sections (4), (11) and (12) of the section 2 of the Finance Act 2007
8. Section 115-O of the Income Tax Act in India as of 2002, added by the Finance Act 1997, modified by the Finance Acts 2000, 2001 and 2002.
9. مقاله بررسی تطبیقی نظام مالیاتی امریکا و ایران- رضا معظمی- مجله حسابداری- ۱۳۷۵- شماره ۱۱۸